

آموزش قرآن در مدارس از دیدگاه پیامبر اکرم (ص)

مینا نیکزاد برندق

چکیده

پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله وسلم نخستین معلم قرائت قرآن بود. قرآن را با صوتی زیبا و شمرده و با رعایت وقف ها بر اصحاب می خواند. البته بر کثرت وجودت قرائت تاکید نمی ورزید. حتی می فرمود: قرآن را هر گونه ای که می توانید، بخوانید. آن حضرت بیشتر بر فهم قرآن تاکید می کرد. حاملان قرآن نزد او مکانتی عظیم داشتند. این مقاله مباحثی را در زمینه آنچه آمده، در بر دارد.

کلید واژه ها: قرائت، اقراء، تلاوت، رسول اکرم صلی الله علیه و آله وسلم، قراء، صحابه.

(۱) مقدمه

خدای متعال قرآن کریم را بر پیامبر خود فرو فرستاد و وی را به تلاوت قرآن بر بندگان و تعلیم کتاب و حکمت به آنان موظف فرمود. حضرت پیامبر صلی الله علیه و آله وسلم به عنوان نخستین معلم قرآن، آیات الهی را بر مردم می خوانده است و مؤمنان به تلاوت وی گوش جان فرا می داده اند. ایشان در همه جهات، از جمله در مقام «تعلیم قرآن» اسوه حسنه بودند و در زمینه تعلیم کتاب و حکمت روشی حکیمانه داشتند. پیامبر صلی الله علیه و آله وسلم و پس از ایشان ائمه معصومین علیهم السلام به طور کلی شیوه زندگی کردن با قرآن را تعلیم می دادند، و قرآن را به عنوان بخشی از زندگی و یا به تعبیر درست تر، متن زندگی اهل آن مطرح می ساختند؛ بطوری که در زندگی آنان، پنهان یا آشکار، حضوری دائمی و همیشگی داشته است.

هدف پیامبر و بلکه هدف از نزول این کتاب آن بوده است که در همه عرصه های زندگی از نیازهای فردی و جسمی انسان ها تا حیطه تعلیم و تربیت، نقش مستمر و فعال داشته باشد.

«حیات» قرآن در همین عرصه ها معنا می یابد؛ بر اساس این نوع آموزش، قرآن پدیده ای جدا از زندگانی انسانها نبوده و مردم در مراجعه به آن، نه از لحاظ قرائت و نه از لحاظ فهم و درک و عمل به آن با هیچ مشکلی مواجه نبوده اند. پیامبر اکرم و ائمه معصومین پیوسته می کوشیدند، حجابهای مستور و غیر مستور بین قرآن و انسانها را برطرف سازند، تا آنان خود بتوانند از این معدن پرنور بهره بگیرند. آنگاه راه بهره گیری را نیز به آنان می آموختند.

بدون شک، مشاهده وجود مقدس رسول اکرم، آن شخصیت الهی و «اسوه حسنه» بر مسند اقرار و تعلیم قرآن کریم از زیباترین صحنه های سیره است. تواریخ و سیره ها صحنه های فراوانی را از این دست ضبط کرده اند.

در آیه دوم سوره جمعه که وظایف سه گانه پیامبر صلی الله علیه و آله وسلم را در هدایت امت بر می شمارد، در میان آنها تلاوت جایگاه نخست را دارا است: هوالذی بعث فی الامیین رسولا منهم یتلوا علیهم آیاته ویزکیهم و یعلمهم الکتاب و الحکمة و ان کانوا من قبل لفی ضلال مبین. (۱) [جمعه ۲].

قبل از بحث تقدم یا عدم تقدم تزکیه بر تعلیم، باید گفت که این تلاوت آیات الهی است که بر هر دو مقدم شده است. قرآن مجید از مقوله «لسان»، «بیان» و «قرائت» است و دیگر آثار و خواص آن، وراي «لسان» آن که «عربی مبین» است، جای گرفته است. فرو نهادن دیده اهتمام بر این مقوله، موجب بروز اختلال در تاثیر قرآن بر فرد و جامعه خواهد بود؛ هر چند بازار طرح و عرضه انواع بحثها و پژوهش ها گرم باشد.

(۲) نحوه قرائت و اقرار پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله وسلم

پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله وسلم در قرائت قرآن و آموزش آن به مردم از اوصافی برخوردار بودند که اینک بدان پرداخته می شود.

(۱-۲) صوت نیکو

مطابق روایتی از امام باقر علیه السلام که در تفسیر عیاشی آمده است، پیامبر اکرم نیکوترین صوت را در قرائت قرآن داشته است: «ان رسول الله کان احسن الناس صوتا بالقرآن» (۲) [۱]. در روایتی دیگر آمده است: «کان قرائته صلی الله علیه و آله وسلم مفسره حرفا حرفا» (قرائت پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله وسلم واضح، حرف به حرف و عاری از هر گونه پیچیدگی و تداخل حروف بوده است).

(۲-۲) وضوح قرائت

قرائت پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله وسلم خوش صدایی، وضوح تام و تفکیک کامل حروف و آیه ها را با هم داشته است؛ امری که در بسیاری از قرائت های رایج امروز، دیده نمی شود.

در روایتی زیبا، که نسایی آن را نقل کرده است، تصویری عینی از نمونه اقراي پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله وسلم بر اصحاب، آمده است:

«عن عقبه بن عامر قال کنت امشی مع رسول الله صلی الله علیه و آله وسلم فقال: یا عقبه قل، قلت: ماذا اقول؟ فسکت عني ثم قال: یا عقبه قل قلت: ماذا اقول یا رسول الله؟ فسکت عني فقلت: اللهم اوردہ علی، فقال: یا عقبه قل، فقلت: ماذا اقول؟ فقال: قل اعوذ برب الفلق . . . فقراتها حتی اتیت علی آخرها ثم قال: قل، قلت: ماذا اقول یا رسول الله؟ قال: قل اعوذ برب الناس . . . فقراتها حتی اتیت علی آخرها»: (عقبه بن عامر گوید: با پیامبر صلی الله علیه و آله وسلم راه می رفتم؛ ایشان

فرمود: ای عقبه! بگو! گفتیم: چه بگویم؟ حضرت سکوت کرد. سپس فرمود: عقبه، بگو، گفتیم چه بگویم ای پیامبر خدا؟
«حضرت سکوت کرد گفتیم: «خدایا سخن حضرت را به من بازگردان» ، فرمود: ای عقبه! بگو! گفتیم چه بگویم؟ فرمود: قل
اعوذ برب الفلق . . . من آن را خواندم تا به آخر آن رسیدم؛ سپس فرمود: ای عقبه! بگو! گفتیم: چه بگویم؟ فرمود: قل اعوذ
برب الناس . . . من آنگاه آن را تا پایان خواندم).

یکی از نکته های این روایت، آن است که حضرت از هر فرصت مقتضی برای تشکیل کلاس درس و آماده سازی ذهن
کسی که برایش قرآن می خواند، استفاده می کند. تکرار امر «قل» و پاسخ های عقبه مبنی بر اینکه «چه بگویم» وی را
سراپا گوش می سازد؛ تا به محض جریان یافتن واژه ها بر لب های مبارک حضرت، آن را یکباره فرا گرفته، به قلب خویش
منتقل سازد.

۳-۲) رعایت وقوف

شناساندن مواضع وقف و تکیه بر رعایت آن، یکی دیگر از ارکان آموزش پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله وسلم بوده است.
بعضی اصحاب روایت کرده اند: «کنا نتعلم الوقوف کما نتعلم القرآن [۲]: (همانگونه که قرآن را فرا می گرفتیم، وقف ها را
نیز می آموختیم).

امام امیرالمؤمنین علیه السلام حفظ وقوف را یکی از ارکان ترتیل می دانستند؛ چنانکه فرمودند: «الترتیل تجوید الحروف و
حفظ الوقوف» (ترتیل، نیکو ادا کردن حروف و رعایت وقفهاست).

یکی از دقت های رسول اکرم صلی الله علیه و آله وسلم وقف بر پایان هر آیه بوده است. در تفسیر مجمع البیان، ذیل
سوره «قل هو الله» آمده است، پیامبر در پایان هر آیه از این سوره وقف می فرمودند. این مساله در روایتی دیگر از «ام
سلمه» دارای شمولی بیشتر است: «کان النبی صلی الله علیه و آله وسلم یقطع قرائته آیه آیه» (پیامبر صلی الله علیه و
آله وسلم قرائت خویش را به صورت آیه آیه، تقطیع می کردند).

۴-۲) اقراء کوثری

آنچه در روش آموزش پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله وسلم به چشم نمی خورد، «اقراء تکاثری» است و آنچه اهمیت
دارد، «اقراء کوثری» است؛ یعنی اقراایی که خیر کثیر به همراه آورد، نه ظاهری چشمگیر. شیخ صدوق در روایتی آورده
است که مردی نزد پیامبر صلی الله علیه و آله وسلم رفت تا وی را قرآن بیاموزد. حضرت شروع به خواندن قرآن کرد تا به
این سخن خدای تعالی رسید که: «فمن يعمل مثقال ذره خیرا یره و من يعمل مثقال ذره شرا یره». مرد گفت: همین مرا
کافی است؛ آنگاه برخاست و رفت. پیامبر فرمود: این مرد رفت در حالی که فقیه گردیده بود [۳]. پیامبر صلی الله علیه و
آله وسلم در مقام سخن گفتن از تاثیر اقراء و کوثری بودن آن، از همین میزان اثرپذیری، تعبیر به فقاها و فهم دین کرده
اند.

روایتی دیگر از ابن مسعود و ابی بن کعب، شیوه تعلیم رسول اکرم صلی الله علیه و آله وسلم را اینچنین بیان می کند: «ان رسول الله صلى الله عليه و آله وسلم كان يقرؤهم العشر فلا يجاوزونها حتى يعلموا ما فيها من العلم فيعلمهم القرآن والعمل جميعا» [۴]. (رسول خدا صلی الله علیه و آله وسلم بر اصحاب، ده آیه را می خواند و آنان از آن ده آیه نمی گذشتند؛ تا آنچه از آگاهی در آن وجود داشت، دریابند، به این ترتیب، پیامبر به ایشان قرآن و عمل را با هم تعلیم می داد).

اولین نکته ای که از این حدیث استفاده می شود، تقدم کیفیت بر کمیت و دوری از انباشتن آیه ها و سوره ها بر روی یکدیگر است. تحذیر امت از انبوه کاری و روی هم انباشتن بدون تدبیر آیات در دستورها و ارشادهای پیامبر صلی الله علیه و آله وسلم نسبت به قرائت قرآن در نماز نیز دیده می شود؛ ابوسعید خدری از پیامبر صلی الله علیه و آله وسلم روایت کرده است: «امرنا رسول الله ان نقرا فاتحة الكتاب و ما تيسر» [۵] رسول اکرم صلی الله علیه و آله وسلم ما را به خواندن سوره «فاتحة الكتاب» و خواندن سوره ای کوتاه به دنبال آن امر کرد. تاکید حضرت در مورد نماز نیز به جهت دوری از تحمیل بیش از حد طاقت و جلوگیری از پدید آمدن ادبار نسبت به قرآن، مورد تاکید قرار گرفته است.

این در حالی است که بنا بر چند روایت که «ابن شبة» در «تاریخ المدينة المنورة» نقل کرده است، عثمان شبها یک رکعت نماز می خوانده و قرآن را در آن ختم می کرده است [۶]. منظور ما در اینجا، بررسی صحت و سقم سند این روایت نیست؛ تنها به ذکر این نکته اکتفا می شود که حتی اگر چنین کاری عملا نیز مقدور باشد و فاصله چند ساعت میان نماز عشا و نماز صبح، برای چنین کاری کفاف دهد، دست کم تلاوتی واضح و مطلوب صورت نخواهد گرفت؛ به همین دلیل، چنین اموری هرگز در کلام و ارشادهای معصومین علیهم السلام دیده نمی شود و چنین توصیه هایی از سوی آنان، صادر نشده است و اینگونه امور مورد تشویق و تمجید آنان قرار نگرفته است. آنچه در مکتب اهل بیت مورد تشویق قرار گرفته است، تهجد با کیفیتی مخصوص است که در کتب متعدد وارد شده است؛ یعنی هشت رکعت نماز شب، دو رکعت نماز شفع و یک رکعت نماز وتر که در مجموع یازده رکعت می شود و رکوع و سجود پیاپی در میان آن بنده را وادار می سازد، پس از خواندن چند آیه در برابر پروردگارش به خاک درافتد و بر پاکی او و عظمت کتابش، گواهی دهد.

بنا بر فتوای علمای شیعه، دست کم در چهار موضع قرآن کریم، سجده واجب است و کسانی که با شنیدن آیات الهی سجده نمی کنند، در آیات متعدد دیگری مورد توبیخ و ملامت قرار گرفته اند: «فما لهم لا يؤمنون و اذا قرئ عليهم القرآن لا يسجدون» [انشقاق ۲۰ و ۲۱]: (آنان را چه شده که ایمان نمی آورند و چون قرآن بر آنان قرائت شود، سر به خاک نمی ساینند).

از سوی دیگر، کسانی که با شنیدن آیات الهی، سر به سجده فرود می آورند و یا به تعبیر دیگر، آیات الهی آنان را به خاک می افکند، مورد تقدیر قرار گرفته اند: «اذا تتلى عليهم آيات الرحمن خروا سجدا و بکیا» [مریم ۵۸]: (چون آیات [خدای] بخشنده بر آنان تلاوت شود، به خاک و گریه می افتند).

در روایات، احادیث متعددی از این دست ملاحظه می شود که: «من قرا القرآن فی اقل من ثلاث لم يفقهه» (هر که قرآن را در کمتر از سه روز بخواند، آنرا فهم نمی کند).

اصحاب، همزمان با نزول تدریجی قرآن و به فراخور حال خود، آیه ها و سوره های پراکنده را با واسطه و یا بی واسطه، از لسان مبارک بزرگ معلم قرآن و به صورت سمعی، فرا می گرفتند .

چه بسا فردی از صحابه تازه مسلمان یک یا چند سوره می دانست و صحابی دیگر که سابقه بیشتری در اسلام داشت، دهها سوره . برای هر یک از این دو، همان میزانی که فرا گرفته بودند و آن را بدون هیچگونه عارضه و مشکلی قرائت می کردند، «قرآن» محسوب می شد و عبارت پایانی آن، موضع ختم ایشان تلقی می گشت .

پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله وسلم در شیوه آموزش از یکسو، بر این اصل تاکید می کرد که «قرآن» هر کس به همان میزانی است که بر او اقراء شده و او آن را فرا گرفته است؛ لذا قرآن آموز را از انبوه کاری و انباشت تکاثری باز می داشت تا بقیه سوره ها را نیز به همان شیوه اصولی و صحیح اقراء از جناب ایشان یا دیگران فرا گیرد و از سوی دیگر، بر تکرار مستمر میزان فرا گرفته شده، به منظور تثبیت آن در قلب قرآن آموز، تاکید می ورزید: سئل رسول الله صلی الله علیه و آله وسلم ای الناس خیر؟ قال: «الحال المرتحل، ای الفاتح الخاتم الذی یفتح القرآن و یختمه فله عندالله دعوه مستجابة» [۷] (از پیامبر صلی الله علیه و آله وسلم سؤال شد: بهترین مردم چه کسی است؟ فرمود: حال مرتحل؛ یعنی کسی که پیایی قرآن را به قرائت آغاز می کند و آن را به پایان می برد . دعای چنین کسی نزد خدا مستجاب است) [۸].

۵-۲) «تیسیر» در تعلیم قرآن کریم

آنچه گذشت، نمونه هایی از تیسیر و تسهیلی بود که در کار رسول اکرم صلی الله علیه و آله وسلم، به عنوان معلم قرآن، وجود داشت . موضوع «تیسیر» و «تیسر» در قرائت و حفظ قرآن کریم، محدود به عوامل مذکور نمی شود؛ بلکه دامنه آن بسیار وسیعتر از این موارد است .

بسیاری از سخت گیریهایی که امروزه، در باب تعلیم قرآن کریم به چشم می خورد، در زمان پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله وسلم وجود نداشته است؛ بلکه در طول قرون بعد، به دلایل گوناگون، گریبانگیر موضوع آموزش آسان، بی پیرایه و در نهایت موفق پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله وسلم و معلمان والا مقام قرآن گردیده است .

روش پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله وسلم بر «اقرای» قرآن و شیوه اصحاب، بر «استقراء» و تکرار آیات، استوار بود . و هر کس از سیاه و سفید و عرب و عجم، بر حسب وسع و توانایی خود، به فراگیری قرآن می پرداخت و سعی آنان نیز نزد پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله وسلم همواره مشکور بود .

سیره پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله وسلم تشویق حکیمانه و خردمندانه مشتاقان کلام وحی بود . ایشان هیچگاه به سخت گیریها و نکته سنجی های تجویدی نمی پرداختند و از تشویق های غیرمعقول نیز که گاه گروهی معدود را در اوج قهرمانی قرار می دهد و دیگران را ولو به طور غیرمستقیم، در مرتبه ای پایین تر می نشاند و آنها را فاقد کارایی و هنرنمایی در عرصه قرائت قرآن نشان می دهد، پرهیز می کردند . در حدیثی از ایشان آمده است: «ان الرجل الاعجمی من امتی لیقرأ القرآن بعجميته فترفعه الملائكة علی عربیه» [۹] (مرد غیر عرب از امت من، قرآن را به زبانی غیرعربی می خواند؛ آنگاه ملائکه آن را به همان صورت عربی خالص، بالا می برند).

خداوند قرآن را آسان قرار داد تا برای همگان «ذکر» و وسیله پندآموزی باشد و این آسانی را با لسان پیامبر صلی الله علیه و آله وسلم صورت داد: ولقد یسرنا القرآن للذکر فهل من مدکر [قمر ۱۷] (ما قرآن را آسان کرده ایم . آیان پندگیرنده ای هست) ؟ ، فانما یسرناه بلسانک لعلهم یتذکرون [دخان ۵۸]: (آن را با زبان تو آسان ساختیم، باشد که پند گیرند).

نمونه ای از تسهیل و تیسیر نبوی چنین است که منافقان حسود از انتخاب بلال حبشی به عنوان مودن پیامبر، بسیار ناخشنود بودند و به دنبال بهانه ای می گشتند . بهانه آنان این بود که بلال کلمات را صحیح و شیوا تلفظ نمی کند؛ از اینرو نباید بر بام کعبه و در برابر دوست و دشمن، اذان گوید . از آنجا که احتمال می رفت، پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله وسلم برای رفع جوسازی و حل اختلاف شخص دیگری را برای گفتن اذان برگزیند، پیک وحی به حضور ایشان رسید و گفت: خداوند می فرماید، کسی جز بلال اجازه ندارد بر فراز بام کعبه اذان بگوید .

مولوی اعتراض آنها را در مثنوی چنین توصیف می کند که گفتند: شایسته نیست در آغاز حکومت نوپای اسلام، آن هم در جزیره العرب، که آکنده از عرب فصیح و لغت دان است، بلال حبشی، یک نفر عجمی که بجای «ح» ، «ه» و به جای «شین» ، «سین» می گوید، اذان بگوید . چه بسا آنان بین خود، مسایل دیگری نظیر رنگ پوست، کیفیت صدا و پایین بودن طبقه اجتماعی بلال را نیز مطرح می نمودند و به آن دهن کجی می کردند .

همچنین نقل است، بلال تمام شین ها را سین (به جای اشهد) تلفظ می کرده است؛ معصوم علیه السلام در برابر اعتراض ظاهرپرستان به این مساله، فرموده است: ان سین بلال عندالله الشین [۱۰] (سین بلال در پیشگاه خدا شین است).

و نیز نقل است شخصی به محضر امیرالمؤمنین علیه السلام آمد و عرض کرد: امروز مردی را دیدم که درباره تلفظ صحیح و فصیح کلمات، با بلال بحث می کرد و بر تلفظ غیرصحیح بلال نیشخند می زد . حضرت علی علیه السلام فرمود: «مقصود از تلفظ صحیح آن است که موجب صحت و پاکی اعمال گردد . الفاظ صحیح سودی به حال فلان کس ندارد، اگر اعمالش نادرست باشد . آنگاه فرمود: «و ما یضر بلالا لحنه اذا کانت افعاله مقومه احسن تقویم و مهذبۃ احسن تهذیب» [۱۱] (نادرست خواندن بلال زیانی نمی رساند؛ هرگاه کردارش به بهترین وجه و با برترین خلوص باشد).

از آنجا که پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله وسلم در آغاز، طلب علم را فریضه ای برای هر مسلمان خوانده بود، حکومت های پس از ایشان نیز با در نظر گرفتن فرهنگ عمومی جامعه، اغراض مختلف و به هر حال، برای ابراز وجود، جانب اجبار را گرفتند .

نزول قرآن و شیوه پیامبر، جامعه جاهلی را به جانبی سوق داد که در مدتی کوتاه به هیچ حکومتی اجازه کم اعتنایی به علم و فرهنگ را نمی داد؛ اما در پیش گرفتن راه افراط موجب رخنه خلل و اشکال در آموزش حکیمانه نخستین، گردید .

۶- ۲) شیوه خود تصحیح

یکی از مسائلی که امروزه، مورد تاکید کارشناسان امر آموزش است ، بکارگیری شیوه «خود تصحیح» ، (Autocorrectif) و عایت حداکثر اجتناب از تصحیح مستقیم آموزنده، به خصوص زبان آموز است . این امر در آموزش

قرآن، اهمیتی ویژه می یابد و بخشی از «تیسیر» در قرائت قرآن، منوط بدان می باشد؛ چنان که پیش از این، به مناسبت‌هایی در مورد آن سخن گفتیم. پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله وسلم نه تنها این تیسیر را در مورد لهجه ها به کار می گرفت، تا بلال حبشی، صهیب رومی، سلمان فارسی، عرب مکه و مدینه و طائف و بادیه و نقاط دیگر بتوانند قرآن کریم را به حسب استطاعت و با لهجه خود، به آسانی بخوانند و آن را برای خود «ذکر» قرار دهند، بلکه آن را در مورد اصحابی نیز که بدون داشتن ویژگی ها و تفاوت‌های بالا، آیه و عبارتی را به طرق مختلف می خواندند، روا می داشت. صحابه در حفظ آیه های قرآن و قرائت آنها با یکدیگر اختلاف داشتند و پیامبر صلی الله علیه و آله وسلم در عین اطلاع از همه این اختلافها، آنها را آنطور که شنیده بود، برای اصحاب تجویز می فرمود [۱۳].

ناگفته نماند، در اینجا سخن از «تجویز» است؛ یعنی اجازه ای که پیامبر صلی الله علیه و آله وسلم برای ترویج هر چه سریعتر قرآن در محیط حجاز و بلکه فراتر از آن صادر می فرمود و سهولتی که ایشان در نظر می گرفت. در کنار این تسهیل و تیسیر، قرائت روز و شب پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله وسلم، بزرگان صحابه، کاتبان درجه اول وحی و امثال ایشان قرآن را - به همان قرائت واحدی که از سوی خدای واحد نازل می شد - به گوش اصحاب می رساندند و همگان می دانستند که قرآن همان است و این تسهیل و ترویج، دخیلی به تغییر و تحریف کتاب ندارد. همچنین، قرائت صواب قرائتی بود که بیشترین نزدیکی را به قرائت پیامبر صلی الله علیه و آله وسلم داشت و تاثیری که غلط خواندن قرآن در آن زمان بر خود قرآن می توانست داشته باشد، کاملاً ناچیز بود؛ زیرا در آن زمان، اکثر صحابه آیات قرآن را حفظ بودند و تدبیر حکیمانه پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله وسلم نه تنها سبب گردیده بود قرآن هیچگاه در قید و بند کشمکش لهجه های عرب جاهلی، اختلاف فرهنگها و حتی سلیقه ها و اجتهادهای اشخاص و قاریان نماند، بلکه این امکان را فراهم ساخته بود که به دور از هر نوع عارضه ای که برای قرائت قرآن پیش می آمد، به بهترین وجه، برای ترویج کلام وحی، بهره گرفته شود و هر یک عاملی برای ترویج قرآن، در میان اشخاص و قبایل گردد. در هیچ یک از احادیث و روایات، تذکر و تصحیح مستقیمی از پیامبر صلی الله علیه و آله وسلم به چشم نمی خورد؛ هرچه هست، سراسر تشویق و تکریم است؛ به همین سبب، قرآن در اندک زمانی، نواحی و مرزها را در نوردید و در همه جا شور آفرید.

با آنکه قرائتهای مختلف در منظر پیامبر صلی الله علیه و آله وسلم و ائمه شکل گرفت همچنانکه اشاره شد، قرائت صحیح، همواره از لسان پیامبر، اصحاب و بعدها ائمه شنیده می شد و مسلمانان قرائت «اسوه حسنه» و الگوی برتر را بر هر قرائتی ترجیح می دادند. همچنین سراسر استندهای پیامبر صلی الله علیه و آله وسلم و ائمه در مقام تعلیم، تدبر و فهم قرآن، به قرآن و یا ذکر شواهد و دستورالعملهای فقهی، اخلاقی و مانند آن - که هم اکنون در احادیث ماثور، مضبوط است - همواره بر اساس قرائت واحد و مشهور بوده است و در این زمینه از استناد به قرائتهای مختلف پرهیز می جستند.

درباره نقش قرائت واحد و یکپارچه پیامبر صلی الله علیه و آله وسلم و ائمه در میان مردم و جایگاه آن نسبت به قرآن، می توان به نمونه قرائت «ابی» اشاره کرد. ابی بن کعب ابوالمنذر انصاری خزرجی (ت ۲۰ ق) پس از علی بن ابی طالب علیه السلام صحابه را اقرا می کرد؛ یعنی مستند قرائت آنها بود. علت آن که ابی پس از علی علیه السلام سمت مقری را احراز کرد، آن بود که وی برای فرا گرفتن قرائت صحیح، همه قرآن را نزد پیامبر صلی الله علیه و آله وسلم خواند و آن را

«عرضا» بر ایشان قرائت نمود [۱۴]؛ به همین رو بعدها در لسان معصوم علیه السلام آمده است که: «نحن علی قراءه ابي» [۱۵]: (ما بر قرائت ابي هستيم).

در عین حال، تسهیل نبوی - که قبلا درباره آن گفتگو شد - بی دلیل هم نبوده است؛ به عنوان مثال، پیامبر صلی الله علیه و آله وسلم دستور فرمود، هر کس باید قرآن را همانگونه که فرا گرفته است، بخواند تا هرج و مرج و درهم آمیختگی پیش نیاید. همچنین حضرت، اصحاب را از جدال با یکدیگر، در این زمینه نهی می فرمود [۱۶].

در اینجا دو مطلب را باید افزود؛ نخست آن که تسهیل و تیسیر نبوی، مبتنی بر شیوه خود تصحیح آموزش بوده است تا هر یک از صحابه با مشاهده و استماع قرائت صحیح، حتی الامکان، قرائت خود را به سوی آن سوق دهد. دیگر آنکه، خداوند حفظ قرآن را از تحریف تضمین فرموده است: انا نحن نزلنا الذکر و انا له لحافظون (۳) [حجر ۹].

این تضمین و تضمین های متعدد دیگری که در قرآن آمده است، بر ناتوانی بشر از دست اندازی بر حریم کلام وحی تصریح می کند و هر گونه تشویشی را نسبت به اشکالاتی که اصحاب به قرائت آن می کردند، از دل صاحب مکتب و آورنده قرآن، می زدوده است. این همه در حالی است که امروزه غلط گرفتن در کلاسها و جلسه های آموزش و قرائت قرآن، به صورت امری جداناپذیر در آمده است و گاه به کارگیری خشونت و تهدید، امری صواب و ثمربخش تلقی و بلکه توهم می گردد. در حالی که اگر نیک نگریسته شود، این موارد یکی از عوامل عمده سرخوردگی افراد خردسال یا بزرگسال از محافل قرائت و تعلیم قرآن است.

۷-۲) تشویق پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله وسلم در حق حاملان قرآن

پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله وسلم در صحنه های گوناگون سیاسی و اجتماعی به حاملان قرآن اهمیت می دادند. حضرت در گزینش امیران جنگی که بدون شک، امری بسیار حساس و مرتبط با روحیه، امنیت و سرنوشت امت و حکومت نوپای اسلامی بود میزان «قرآن خوانی» و یا «قرآن دانی» آنان را مدنظر و منشا اثر قرار می دادند. در خبری آمده است: «بعث النبی صلی الله علیه و آله وسلم وفدا الی الیمن فامر علیهم امیرا منهم و هو اصغرهم فمکثوا ایاما لم یسیروا [..]. فقال له رجل یا رسول الله اتؤمره علینا و هو اصغرنا فذکر النبی صلی الله علیه و آله وسلم قرائته للقرآن» [۱۷]. (پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله وسلم هیاتی را به یمن فرستاد و امیر آنان را کسی قرار داد که جوانترین ایشان بود. مدتی گذشت اما آنان حرکت نکردند تا اینکه مردی به پیامبر صلی الله علیه و آله وسلم عرض کرد: آیا کسی را به امیری ما می گماری که کم سن ترین ماست؟! پیامبر در پاسخ میزان تبحر وی را در قرائت قرآن، یادآور شد).

پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله وسلم از ذکر مقام والای حاملان قرآن، حتی پس از مرگ ایشان نیز غفلت نمی ورزید؛ چنانکه در جنگ احد، هنگام دفن شهدا، فرمود: «انظروا اکثرهم جمعا للقرآن فاجعلوه امام صاحبه فی قبره» [۱۸] (بنگرید کدامیک از ایشان بخشی بیشتری از قرآن را فراگرفته است؛ وی را قبل از همرزمش در قبر قرار دهید).

آورده اند که پیامبر صلی الله علیه و آله وسلم در روز احد امر کرد، کسانی را که در صحنه نبرد، در یک صف واحد قرار داشتند و از رتبه های جهادی یکسان برخوردار بودند، در یک قبر دفن کنند. این کار نه به جهت کمبود جا و زمین، بلکه از سر اکرام و احترام شهیدان و بر اساس موقعیت آنان در حیات تا لحظه شهادت صورت گرفت [۱۹].

۸-۲) تاکید بر آموزش قرآن

حضرت رسول اکرم صلی الله علیه و آله وسلم در کنار سایر کوششها و دقتهایی که به کار می بستند، بر مساله ترویج و باز بودن مستمر باب تعلیم و تعلم قرآن در جامعه تاکید می ورزد. چنانکه فرمود: «خيار کم من تعلم القرآن و علمه»؛ مقصود پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله وسلم در این حدیث و مانند آن، فراگیری همه قرآن و آموختن روخوانی و تجوید و مانند آن نیست؛ بلکه حتی تعلیم و تعلم یک آیه نیز می تواند مصداقی از این بیان نبوی بوده باشد؛ چنانکه حضرت فرمود: «بلغوا عني ولو آية» (از من به دیگران برسانید؛ حتی یک آیه را).

مسلمان حتی در برابر یک آیه قرآن هم باید خود را مامور به تبلیغ بداند و آن را بر اساس همان روش حکیمانه، دقیق و حساب شده ای که در سیره و سنت معلم نخستین قرآن وجود داشته و نمونه هایی از آن ذکر گردید، تبلیغ کند.

- (۱) او کسی است که در میان جمعیت درس نخوانده رسولی از خودشان برانگیخت که آیاتش را بر آنها می خواند و آنها را تزکیه می کند و به آنان کتاب (قرآن) و حکمت می آموزد . هر چند پیش از آن در گمراهی آشکاری بودند .
- (۲) رسول خدا صلی الله علیه و آله وسلم در قرائت قرآن خوش آوازترین مردم بود .
- (۳) بدرستی که ما قرآن را فرو فرستادیم و حافظ و نگاهبان آن هستیم .

منابع

- (۱) طباطبائی، سنن النبی ۳۰۸ .
- (۲) سیوطی، الاتقان ۱۱۵/۱ .
- (۳) مجلسی، بحارالانوار ۱۸/۸۹ .
- (۴) کلینی، اصول کافی، کتاب فضل القرآن .
- (۵) مدیر شانه چی، علم الحديث
- (۶) ابن شبه، تاریخ المدینه المنوره ۳/
- (۷) مجلسی، پیشین ۱۲۵ .
- (۸) فیض کاشانی، المحجۃ البیضاء ۲۱۳/۲ .
- (۹) کلینی، پیشین ۴۳۹/۲ .
- (۱۰) قمی، سفینه البحار ۱۰۵/۱ .
- (۱۱) اشتهااردی، بلال حبشی ۱۱۱-۱۱۵ .
- (۱۲) تاج العروس، ماده بجد .
- (۱۳) طبری، جامع البیان ۲۳/۱ و سیوطی، پیشین ۸۶/۱ و حجتی، پژوهش در تاریخ قرآن کریم ۲۸۵ .
- (۱۴) حجتی، پیشین ۲۱۹ .
- (۱۵) همان .
- (۱۶) همان ۲۸۳ .
- (۱۷) محمدی ری شهری، میزان الحکمه ۷۹/۱ .
- (۱۸) همان ۷۸/۸ .
- (۱۹) تاریخ الخمیس ۴۴۳/۱ .